

جستارهای ادبی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی سابق)، مجله علمی- پژوهشی، شماره 165، تابستان 1388

دکتر سید حسین فاطمی (دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول)

احسان قبول (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد)

بررسی تطبیقی سخنان بوزرجمهر در شاهنامه با قرآن و حدیث

چکیده

بوزرجمهر از جمله شخصیت‌هایی است که در شاهنامه از جایگاه ممتاز و نیکویی برخوردار است. او حکیم خردمند و فرزانه‌ای است که سخنان منقولش در شاهنامه در راستای اخلاق، خرد، هدایت، رشد، راستی و نیکویی‌هاست. همچنین آیین اسلام آیینی است که همه دستورها و قوانین اصیل و حقیقی آن در راستای کمال انسانی و هم‌سو با دلالت‌های خرد و عقلانیت است. با بررسی سخنان بوزرجمهر در شاهنامه و مقایسه آنها با آیات قرآن و احادیث امامان معصوم - ع - که دو سرچشمه اصیل آیین اسلام به شمار می‌آیند، مشخص می‌شود میان بسیاری از سخنان بوزرجمهر و آیات و احادیث، شباهتها و هم‌سوییهای نزدیکی وجود دارد.

بر این اساس دو سؤال اساسی در این مقاله مطرح است: الف) چه نوع تقسیم‌بندی‌هایی از شباهتهای سخنان بوزرجمهر در شاهنامه و قرآن و احادیث می‌توان ارائه داد؟ ب) علل این شباهتها چیست؟ روش تحقیق در این مقاله روش علی - مقایسه‌ای است. با این توضیح که نخست با مقایسه سخنان بوزرجمهر با آیات و احادیث به توصیف و طبقه‌بندی انواع شباهتها و مشترکات گوناگون آن پرداخته می‌شود، سپس با در نظر گرفتن دلایل عقلی و نقلی علل این شباهتها بررسی و ریشه‌یابی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، بوزرجمهر، قرآن، نهج البلاغه، حدیث، مقایسه.

تاریخ دریافت: 1387/11/12 تاریخ پذیرش: 1388/3/17

Enghl217@gmail.com

پست الکترونیکی: fatemi@ferdowsi.um.ac.ir

سرزمین ایران از دیرباز تاکنون حکیمان و دانشمندان فراوانی را در خود پرورانده است که هر یک از ایشان تأثیر بسزایی در گسترش و ترویج فضایل انسانی و الهی و یا پیشبرد دانش بشری داشته‌اند. «بزرگمهر یا بوزرجمهر» (1) از شخصیت‌های فرزانه و حکیم ایرانی‌ای است که در قبل از اسلام در دوره ساسانیان و پادشاهی انوشیروان می‌زیسته و روایتها و سخنان گوناگونی در کتابهای متعدّد پیش و پس از اسلام درباره او نقل شده است (2) که اصل مشترک در همه این روایات خردمندی، روشن‌رایی و فرزانه‌گی این شخصیت برجسته ایرانی است.

از جمله آثاری که بخش قابل توجهی از سخنان و شرح احوال بوزرجمهر در آن روایت شده، شاهنامه فردوسی است (3). با بررسی سخنان و زندگی بوزرجمهر در شاهنامه روشن می‌شود او حکیم خردمند و فرزانه‌ای است که گفتار و کردارش پیوسته در راستای اخلاق، خرد، هدایت، رشد، راستی و نیکویی‌هاست و حوزه‌های گوناگونی مانند صفات رفتاری فردی، خانوادگی، اجتماعی و الهی انسان و یا نوع نگرشهای زاهدانه و خردگرایانه را دربرمی‌گیرد. ظاهراً فردوسی در نقل سخنان بوزرجمهر بر مبنای منابع و روایات موجود عمل کرده است.

همچنین آیین اسلام آیینی است که همه دستورها و قوانین اصیل و حقیقی‌اش در راستای کمال انسانی و همسو با دلالت‌های خرد و عقلانیت است (4). با بررسی سخنان بوزرجمهر در شاهنامه و مقایسه آنها با آیات قرآن و احادیث امامان معصوم - ع - که دو سرچشمه اصیل آیین اسلام به شمار می‌آیند، مشخص می‌شود میان بسیاری از سخنان بوزرجمهر و آیات و احادیث اسلامی، شباهتها و هم‌سوییهای نزدیکی وجود دارد.

بر این اساس دو سؤال اساسی در این مقاله مطرح است: الف) شباهتهای سخنان بوزرجمهر در شاهنامه و قرآن و احادیث را در چه نوعی می‌توان تقسیم‌بندی کرد؟ ب) علل این شباهتها در چه مواردی می‌تواند باشد؟

روش تحقیق در این مقاله روش علی - مقایسه‌ای است. با این توضیح که نخست با مقایسه سخنان بوزرجمهر با آیات و احادیث اسلامی انواع شباهتها و مشترکات گوناگون آنها توصیف و طبقه‌بندی می‌شود، سپس این شباهتها ریشه‌یابی و علت‌یابی می‌گردد.

گفتنی است در این مقاله سعی بر آن است که برشی از یک تحقیق کلی نشان داده شود که صرفاً شامل تطبیق سخنان بوزرجمهر با آیات و احادیث است. به طور کلی ارتباط ادیان آسمانی، ارتباطی توحیدی است، بدین معنا که مفاهیم مشترک موجود در میان ادیان ناشی از مبدأ الهی مشترک آنهاست و بحث اتخاذ یک دین از دین دیگر مطرح نیست. حقایق موجود در آیین مزدیسنی و حقایق قرآنی از یک منشأ الهی سرچشمه گرفته است. پاکی، صداقت، نیکویی، بخشش و ... که در آیین مزدیسنی نیز ستوده می‌شود در همه آیینهای الهی مورد ستایش است. سخنان بوزرجمهر نیز حقایقی عقلانی است که در اسلام - در قرآن و حدیث نیز نمود دارد.

2. بررسی تطبیقی انواع مشترک اندیشه‌های بوزرجمهر با مفاهیم قرآن و حدیث

سخنان بوزرجمهر در شاهنامه و مفاهیم مربوط به آن را از رهگذر گفت‌وگوها و پرسش و پاسخهایش با موبدان و انوشیروان می‌توان دریافت. مفاهیم سخنان بوزرجمهر حوزه‌های گوناگونی را شامل می‌شود که می‌توان بر اساس مؤلفه‌های گوناگون تقسیم‌بندیهای متنوعی نیز از آن ارائه داد؛ به عنوان مثال بر اساس مؤلفه‌های «صفات رفتار فردی، خانوادگی، اجتماعی و الهی» یا بر اساس «نگرشهای زاهدانه و خردگرایانه» و یا بر اساس «رابطه متقابل مردم و حاکم». در هر یک از این تقسیم‌بندیها، تقارن و هم‌سوییهای نزدیکی میان سخنان و اندیشه‌های بوزرجمهر و مفاهیم قرآنی و حدیثی یافت می‌شود.

الف) تقسیم‌بندی بر اساس ساحت‌های صفات رفتاری

1. صفات رفتاری فردی؛ 2. صفات رفتاری خانوادگی؛ 3. صفات رفتاری اجتماعی؛ 4. صفات رفتاری الهی.

1. صفات رفتاری فردی

مقصود از صفات رفتاری فردی، ویژگیها و صفات رفتاری است که بیش تر دلالت بر نوع ویژگیهای درونی فرد دارد و در ارتباط با خود فرد معنا می یابد و ارتباط کمتری با انسانهای دیگر دارد. همچنین بوزرجمهر گاه برای تبیین بیش تر صفات پسندیده رفتار فردی، صفات ناپسند و ردیلهای مقابل آن را بیان می کند.

1 4. سکوت و تسلط بر گفتار

یکی از مبانی ارزشی ایران باستان و آیین زرتشتی «گفتار نیک و سنجیده» است. بر این اساس سخنان گوناگونی از بوزرجمهر در *شاهنامه* درباره جایگاه والای سخن سنجیده و نیک و همچنین ارزش سکوت آمده است. این ویژگی رفتاری و شخصیتی در آیین اسلام نیز از جایگاه مهمی برخوردار است به گونه ای که آیات و احادیث زیادی به اهمیت و ارزش آن اشاره کرده است. اشتراکات و تشابه های محتوایی سخنان بوزرجمهر و آیات و احادیث را در موارد زیر می توان یافت.

– کسی را که مغزش بود پر شتاب / فراوان سخن باشد و دیرباب (*شاهنامه*، ج 7، ص 179، ب 1094)

من کثر کلامه قلّ عقله (حکمت 71) (5)؛ العالم لا يتكلم بالفضول (امام صادق ع)، (ری شهری، 1387: 406) (6).

– چو گفتار بیهوده بسیار گشت / سخن گوی در مردمی خوار گشت (*شاهنامه*، ج 7، ص 179، ب 1095)

وَمَنْ كَثَرَ كَلَامَهُ كَثَرَ خَطْوُهُ وَمَنْ كَثَرَ خَطْوُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ (حکمت 349).

– مگو آن سخن کاندرو سود نیست / کز آن آتش ات بهره جز دود نیست (*شاهنامه*، ج 7، ص 181، ب 1118)

وَأَجْتَبُوا قَوْلَ الزُّورِ (حج - 31)؛ مِنْ فِقْهِ الرَّجُلِ قَلُّهُ كَلَامُهُ فِيمَا لَا يَعْنيهِ (رسول اکرم ص)، (ری شهری، 1387: 406) (7).

– چو بر انجمن مرد خامش بود / از آن خامشی دل به رامش بود (*شاهنامه*، ج 7، ص 196، ب 1284)

طُوْبَى لِمَنْ ... أَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ لِسَانِهِ (حکمت 123 و 429)؛ [المؤمن] إِنْ صَمَتَ لَمْ يَغْمَهُ صَمْتُهُ (خطبه 193) (8).

بوزرجمهر در برابر فضیلت رفتاری «سکوت و بیان سخنان سنجیده»، صفت منفی «گفتن سخنان بی فایده و ناسنجیده» را بیان می‌کند که آن را از صفات انسانهای نادان و نتیجه آن را آسیب رسیدن به خود وی می‌داند. اسلام نیز این صفت را از رهگذر آیات و احادیث نفی کرده و از صفات انسانهای مؤمن و رستگار، دوری جستن از آن صفت می‌داند.

- [نادان] به پنجم به گفتار ناسودمند / تن خویش دارد به درد و گزند (شاهنامه، ج 7، ص 195، ب 1279)

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُورًا (اسرا-37)؛ الجاهلُ اسيرُ لِسَانِهِ (امام هادی ع)، (ری شهری، 1387: 496) (9).

4 2 اصلاح پذیری و عمل به سخنان

اصلاح پذیری فردی از مبانی مشترک فکری در سخنان بوزرجمهر و آیات و احادیث اسلامی است. بر این اساس فرد باید با بررسی رفتار و کردار خود و مشاهده عیوبش به رفع آنها اقدام کند. در آیات و احادیث اسلامی فرد ابتدا باید به اصلاح خود بپردازد و سپس در فکر اصلاح دیگران باشد؛ این اصل در سخنان بوزرجمهر در قالب «نمود گفتار در کردار» مورد تأکید قرار می‌گیرد و آیات و احادیث متعددی نیز درباره عامل بودن امر به معروف و یا علم همراه با عمل وجود دارد.

- دگر گفت کاندل خردمند مرد / هنر چیست هنگام ننگ و نبرد

چنین گفت کان کس که آهوی خویش / ببیند بگرداند آیین و کیش (شاهنامه، ج 7، ص 185، ب 4165) (1166)

- به گفتار خوب از هنر خواستی / به کردار پیدا کند راستی (همان، ص 193، ب 1252)

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ (بقره - 45)؛ الداعی بِالْأَعْمَالِ كَالرَّامِي بِالْأَوْتَرِ (حکمت 337) (10).

دوم

3 4. آینده‌نگری و در عین حال دوری از آرزوهای بلند

از دیدگاه بوزرجمهر یکی از فضیلت‌های انسان‌های بلند مرتبه آینده‌نگری و عواقب هر عمل و تصمیمی را از آغاز در نظر گرفتن است که این فضیلت در احادیث نیز مورد تأکید است و یکی از صفات مومنان نام برده شده است.

- چهارم که مانی به جا کام را / بینی ز آغاز فرجام را (شاهنامه، ج 7، ص 194، ب 1265)

فَلَا تَسْتَعْمِلُوا الرِّأْيَ فِيمَا لَا يُدْرِكُ قَعْرَةَ الْبَصَرِ وَلَا تَتَغَلَّغْ إِلَيْهِ الْفِكْرُ (خطبه 87)؛ الْحَزْمُ مِشْكَاةُ الظَّنِّ (امام صادق - ع)، (ری‌شهری، 1387: 146)(11).

با وجود توصیه به آینده‌نگری، پرهیز از آرزوهای دور و دراز و دست‌نیافتنی از توصیه‌هایی است که هم مورد تأکید بوزرجمهر قرار گرفته است و هم آیات و احادیث. یک دلیل مشترک در این است که پیروی از آرزوها و به تعبیری خواهش‌های نفسانی، تسلط انسان را بر خویشتن زایل می‌کند و صفات ناشایست را در او پدید می‌آورد و اساساً این گونه آرزوها اصالت حقیقی ندارند و باعث فریب و گمراهی آدمی می‌شوند.

- پیرسید دیگر که از انجمن / نگهبان کدام است بر خویشتن

چنین گفت کان کو پس آرزوی / نرفت از کریمی و از نیک خوی (شاهنامه، ج 7، ص 186، ب 4171، 1172)

ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِيهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (حجر - 3)؛ إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ إِيْتَانِ إِبْتِاعِ الْهَوَىٰ وَطُولِ الْأَمَلِ (خطبه 28 و 42)(12).

- دگر کو زنادیدنیهامیید / چنان بگسلد دل چو از باد بیید (شاهنامه، ج 7، ص 189، ب 1204)
فلا تطمعوا فی غیر مقبل (خطبه 100)؛ تَزَوَّدْ مِنَ الدُّنْيَا بِقَصْرِ الْأَمَلِ (امام باقر ع)، (ری‌شهری، 1387: 28)(13).

4 1. پرهیزکاری

پرهیزکاری و در تعبیر اسلامی تقوا، از ارکان اساسی تفکرات بوزرجمهر و آیین اسلام است و آن عبارت است از دوری جستن از گناهان. از کارکردهای مشترک پرهیزکاری از نظر بوزرجمهر و آیات و احادیث، نام و سرانجام نیکی است که برای انسان پدید می‌آورد.

- یکی گفت کاندلر سرای سپنج / نباشد خردمند بی درد و رنج
چه سازیم تا نام نیک آوریم / در آغاز فرجام نیک آوریم
بدو گفت شو دور باش از گناه / جهان را همه چون تن خویش خواه

(شاهنامه، ج 7، ص 187، ب 4183-4185)

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (بقره - 223)؛ اوصيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ: فَإِنَّ فِيهَا السَّلَامَةَ مِنَ التَّلَفِ وَالْغَنِيمَةَ فِي الْمُنْقَلَبِ (امام باقر ع)، (ری شهری، 1387: 604)(14).

5 1. بردباری

بوزرجمهر صبر و بردباری را عامل آرامش شخصی انسان می‌داند و این فضیلت رفتاری مورد تأکید اوست. در آیات و احادیث اسلامی هم یکی از ویژگیهای مهم مورد تأکید و سفارش، حلم و صبر است و نتیجه آن نیز رستگاری و سرافرازی دانسته شده است.

- پیرسید دیگر که در زیستن / چه سازی که کمتر بود رنج تن

چنین داد پاسخ که گر با خرد / دلش بردبار است رامش برد (شاهنامه، ج 7، ص 185، ب 4167)

(1168)

وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال - 47)؛ بِالصَّبْرِ يُتَوَقَّعُ الْفَرَجُ وَ مَنْ يُدْمِنِ فَرَعَ الْبَابَ يَلِجْ (رسول اکرم ص)، (ری شهری، 1387: 312)(15).

- پیرسید دیگر که دانش کدام / به گیتی که باشیم زو شادکام

چنین گفت کان کاو بود بردبار / به نزدیک او مرد بی شرم خوار (شاهنامه، ج 7، ص 188، ب 4196)

(1197)

وَأَلْجِئُكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ تُخَافُونَ مِنَ اللَّهِ إِنَّكُمْ عِنْدَ اللَّهِ فِي حِلْمٍ وَاحْتِلَامٍ (حکمت 211)؛ وَ احْتَلَمُ عِنْدَ الْغَضَبِ (نامه 69).

قناعت و رضایت به حق خود از مفاهیم مشترک در سخنان بوزرجمهر و آیات و احادیث است و کارکرد مشترک آن بی‌نیازی انسان از دیگران و ثروتمند شدن حقیقی اوست و در مقابل این فضیلت رفتاری، رذیلت طمع قرار دارد که انسان را به پستی و ذلت می‌کشد.

- دگر گفت مرد توانگر به چیست / به گیتی پر از رنج و درویش کیست
چنین گفت آن کس که هستش بسند / به بخش خداوند چرخ بلند (شاهنامه، ج 7، ص 191، ب 4234-1235)

- توانگر شد آن کس که خشنود گشت / بد و آرز و تیمار او سود گشت (همان: 180، ب 1109)
وَلَا كُنْزٌ أَغْنَىٰ مِنَ الْقَنَاعَةِ وَلَا مَالٌ أَذْهَبَ لِلْفَقَاةِ مِنَ الرِّضَىٰ بِالْقُوَّةِ (حکمت 371)؛ اقْنَعِ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَىٰ مَا عِنْدَ غَيْرِكَ وَلَا تَتَمَنَّ مَا لَسْتَ نَائِلُهُ: فَانَّهُ مِنْ قَنْعِ شَيْعٍ وَ مَنْ لَمْ يَقْنَعِ لَمْ يَشْبِعْ وَ خُذْ حَظَّكَ مِنْ آخِرَتِكَ (امام صادق ع)، (ری شهری، 1387: 480) (16).

- کسی را کجا بخت انباز نیست / بدی در جهان بدتر از آن نیست (همان: 191، ب 1236)

طُوبَىٰ لِمَنْ ذَكَرَ الْمَعَادَ وَ عَمِلَ لِلْحِسَابِ وَ قَنِعَ بِالْكَفَافِ وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ (حکمت 44)؛ [یا بُنِیَّ] وَ اِيَّاكَ اَنْ تَوْجِفَ بِكَ مَطَايَا الطَّمَعِ فَتَوَرَّدَكَ مَنَاهِلَ الْهَلَكَةِ (نامه 31) (17).

4 7. تلاش و کوشش

عمل‌گرایی و تلاش برای دست‌یابی به اهداف و انجام کارها با وجود سختیهای پیش‌رو از دیگر مشترکات محتوایی در سخنان بوزرجمهر و آیات و احادیث است.

- دگر کو به سستی نشد پیش کار / چو دید او فزونی بد روزگار (شاهنامه، ج 7، ص 186، ب 1173)
- تن‌آسانی و کاهلی دور کن / بکوش و ز رنج تنت سور کن
کایدر تو را سود بی‌رنج نیست / چنان‌هم که بی‌پاسبان گنج نیست (همان: ص 191، ب 1322 - 1323)

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (توبه 21)؛ عَدُوُّ الْعَمَلِ الْكَسَلُ (امام صادق ع)، (ری شهری، 1387: 492).

- چو کوشش نباشد تن زورمند / نیارد سر آرزوها به بند (همان: ص 194، ب 1266)

فَبَادِرُوا الْعَمَلَ وَكَذَّبُوا الْأَمَلَ (خطبه 114).

2. صفات رفتاری خانوادگی

مقصود از صفات رفتاری خانوادگی ویژگیها و صفات رفتاری است که دلالت بر نوع تعامل و رفتار فرد با خانواده و خویشاوندان و نزدیکانش دارد.

2 1. حفظ و مراقبت از اطرافیان

بوزرجمهر معتقد است انسان باید نخست از نزدیکان خویش حفاظت و مراقبت نماید، که قرآن این اصل را مورد تأکید فراوان قرار داده و آن را اصل نیکویی دانسته است.

- نگه داشتن مردم خویش را / گسستن تن از رنج درویش را (شاهنامه، ج 7، ص 190، ب 1221)
لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ... آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ (بقره - 178)؛ وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ فَأَرِزْهُمْ مِنْهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (نساء - 9) (18).

2 2. تربیت فرزندان و گرامی داشتن آنان

آموختن ادب و فرهنگ به فرزندان از رفتارهای خانوادگی مشترکی است که در آرای بوزرجمهر و احادیث اسلامی یافت می‌شود.

- سپردن به فرهنگ فرزند خرد / که گیتی به نادان نشاید سپرد (شاهنامه، ج 7، ص 190، ب 1222)

وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ (حکمت 113)؛ أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ (رسول اکرم ص)، (ری شهری، 1387: 614) (19).

از توصیه‌های رفتاری مشترک بوزرجمهر و آیات و احادیث اسلامی گرامی داشتن فرزندان نیک و صالح است. در نقطه مقابل رها کردن فرزندان ناشایست و ناصالح که امکان هدایتشان وجود ندارد، قرار دارد که این موضوع در خطاب خداوند در قرآن به حضرت نوح - ع - درباره فرزندش یافت می‌شود (هود 47).

- پیرسید دیگر که فرزند راست / به نزد پدر جایگاهش کجاست
چنین داد پاسخ که نزد پدر / گرامی چو جان است فرخ پسر (شاهنامه، ج 7، ص 190، ب 1224-1225)
- پس از مرگ نامش بماند به جای / ازیرا پسر خواندش رهنمای (همان، ص 191، ب 1226)
- چو فرمان پذیرنده باشد پسر / نوازنده باید که باشد پدر (همان، ص 190، ب 1223)
يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ... (نساء - 12)؛ أكرموا أولادكم وأحسنوا آدابهم يُغفر لكم (رسول اکرم ص)، (ری شهری، 1387: 16) (20).

3. صفات رفتاری اجتماعی

صفات رفتاری اجتماعی شامل ویژگیها و صفات رفتاری فرد با مردم و افراد جامعه می‌شود. در این بخش از صفات نیز، بوزرجمهر گاه از صفات ناشایست رفتار اجتماعی - که در برابر صفات نیکوی مقابل خود قرار می‌گیرند - نام برده است تا ابعاد ویژگی مورد نظر را بهتر تبیین کند.

3 1. انفاق به نیازمندان و در عین حال رعایت تعادل در انفاق

- نگه داشتن مردم خویش را / گسستن تن از رنج درویش را (شاهنامه، ج 7، ص 190، ب 1221)
اصل انفاق و سلسله مراتب آن، میان سخنان بوزرجمهر و آیات و احادیث اسلامی مشترک است. به این ترتیب که فرد ملزم است پس از رفع نیاز مادی افراد خانواده و نزدیکانش در پی رفع نیاز دیگر نیازمندان جامعه باشد.

أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ؛ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ؛ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ (بلد 14، 15 و 16)؛ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ مَالًا فَلَمْ يَتَصَدَّقْ مِنْهُ بَشِيءًا (امام صادق ع)، (ری شهری، 1387: 568) (21).

انفاق کردن هم از نظر بوزرجمهر عمل شایسته‌ای است و هم از نظر اسلام، اما اصل مشترک درباره عمل به این رفتار نیکو، تعادل در آن است که این اصل دلالت بر تقارن دیدگاه بوزرجمهر و

آیات و احادیث اسلامی درباره حدّ انفاق دارد که برای توصیف آن نیز از یک تصویر و بیان استفاده شده است.

- چو داری به دست اندرون خواسته / زر و سیم و اسپان آراسته

هزینه چنان کن که بایدت کرد / نشاید گشاد و نشاید بیست (شاهنامه، ج 7، ص 181، ب 4114-4115)
وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (فرقان - 68)؛ لَا تَبْدُلْ لَاحْوَانِكَ مِنْ نَفْسِكَ مَا ضَرُّهُ عَلَيْكَ أَكْثَرَ مِنْ مَنْفَعَتِهِ لَهُمْ (امام کاظم ع)، (ری شهری، 1387: 320) (22).

3. 2. بخشایش و گذشت نسبت به دیگران

از توصیه‌های مشترک بوزرجمهر و آیات و احادیث اسلامی در حوزه رفتار اجتماعی، بخشایش گناه و ستمهای دیگران بخصوص در هنگام قدرت داشتن و برتری است.

- دگر گفت کان کاو نجوید گزند / ز خواها کدامش بود سودمند

بگفت آن‌که مغزش نجوشد ز خشم / بخوابد به‌خشم از گنه‌کار چشم (شاهنامه، ج 7، ص 188، ب 4198-4199)

- بینشد گنه چون شود کامگار / نباشد تنش تیز و نابردبار (همان: 186، ب 1170)
وَالكَافِرِينَ الْغَيْظُ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران 134)؛ إِنَّ أَعْقَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عِنْدَ قُدْرَتِهِ (امام حسین ع)، (ری شهری، 1387: 388) (23).

3. 3. منافع دیگران را چون منافع خود دانستن

از مبانی مشترک رفتار اجتماعی در آرای بوزرجمهر و آیات و احادیث اسلامی اصل توجه به منافع و مصالح دیگران است؛ به گونه‌ای که فرد منافع انسانهای دیگر را چون منافع خود در نظر بگیرد. این اصل مهم نیز حاکی از هم‌سویی و تشابه دقیق میان آرای بوزرجمهر و تفکرات اسلامی است.

- بدو گفت شو دور باش از گناه / جهان را همه چون تن خویش خواه

هرآن چیز کانت نیاید پسند / تن دوست و دشمن در آن برمبند (شاهنامه، ج 7، ص 187، ب 4185-4186)

إجعل نفسك ميزاناً فيما بينك وبين غيرك (نامه 31)؛ أيسرُ حقَّ منها أن تُحبَّ له ما تُحبُّ لنفسك و تكرة له ما تكرةً لنفسك (امام صادق ع)، (ری شهری، 1387: 160) (24).

3 4. بازتاب رفتارهای انسان به خودش

یکی دیگر از تفکرات مشترک بوزرجمهر و اسلام، اصل بازتاب رفتار و کردار آدمی به خودش است. بر این اساس انسان هر عملی را نسبت به دیگران انجام دهد مانند آن را تجربه خواهد کرد.

- چنین داد پاسخ که کردار بد به سان درختی است با بار بد
اگر نرم گوید زبان کسی درشتی به گوشش نیاید بسی
بدان کز زبان است گوشش به رنج چو رنجش نجویی سخن را بسنج

(شاهنامه، ج 7، ص 198، ب 4312 1314)

وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ (شوری - 31)؛ و لا تظلم كما لا تحب أن تظلم و أحسن كما تحب أن يحسن إليك و لا تقل ما لا تحب أن يقال لك (نامه 31) (25).

3 5. انتخاب دوست دانا و پرهیز از دوستی با نادان

انتخاب دوست نیکو و دانا و پرهیز از هم‌نشینی با انسانهای نادان و دوست برگزیدن ایشان مورد توجه و تأکید بوزرجمهر و اسلام است.

- چو دانا تو را دشمن جان بود / به از دوست‌مردی که نادان بود (شاهنامه، ج 7، ص 180، ب 1108)

عدو عاقل خیر من صدیق جاهل (امام علی ع) (بحارالانوار، ج 78، ص 351)؛ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَأَكْمُ أَعْمَالِكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْنَعِي الْجَاهِلِينَ (قصص - 55) (26).

3 6. راستی و درستی

راستی و درستی در تمام شؤون زندگی از دیگر مبانی مشترک فکری بوزرجمهر و آیات و احادیث اسلامی است.

- همه روشنیهای تو راستی است / ز تازی و کژی بیاید گریست (شاهنامه، ج 7، ص 179، ب 1097)

إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (حدید - 19)؛ مَنْ صَدَّقَ لِسَانَهُ زَكَاةً عَمِلَهُ (امام صادق ع)، (ری شهری، 1387: 314)(27).

در برابر صفت شایسته راست گویی، صفت مذموم دروغ گویی قرار دارد که در اندیشه بوزرجمهر و آیات و احادیث اسلامی، انسان از آن به جد نهی شده است و آن صفات انسانهای گمراه به شمار آمده است.

- به هفتم که بستیه اندر دروغ / به بی شرمی اندر بجوید فروغ (شاهنامه، ج 7، ص 195، ب 1281)

- به دانش بود جان و دل را فروغ / نگر تا نگر دی به گرد دروغ (همان: ص 196، ب 1289).
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (الزمر - 4)؛ جَائِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ الصَّادِقُ عَلَى شَفَا مَنْجَاهٍ وَ كَرَامَةٍ وَ الْكَاذِبُ عَلَى شَرَفٍ مَهْوَاةٍ وَ مَهَانَةٍ (خطبه 86)(28).

از رفتارهای اجتماعی مبتنی بر راستی و درستی که مورد تأکید بوزرجمهر و اسلام است، تجارت راست و درست و تجاوزز نکردن به حقوق دیگران است.

- به داد و ستد در کند راستی / ببندد در کثری و کاستی (شاهنامه، ج 7، ص 186، ب 1169)
وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ (انعام - 152)؛ مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَى فَلْيَجْتَنِبْ خَمْسَ خِصَالٍ، وَ أَلَا فَلَا يَشْتَرِينَ: الرِّبَا، وَ الْحَلْفَ وَ كَيْمَانَ الْعَيْبِ وَ الْحَمْدَ إِذَا بَاعَ وَ الذَّمَّ إِذَا اشْتَرَى (رسول اکرم ص)، (ری شهری، 1387: 90)(29).

3 7. غیبت نکردن

غیبت نکردن و بازگو نکردن نواقص دیگران هم در آرای بوزرجمهر یافت می شود و هم مورد تأکید اسلام است. این رفتار از نظر ایشان به حدی زشت و نفرت برانگیز است که بوزرجمهر از آن به دریدن پوست دیگران یاد می کند و قرآن آن را چون خوردن گوشت برادر مرده خود می داند.

- چنین داد پاسخ که هر کو زبان / ز بد بسته دارد نرنجد روان

کسی را ندرک به گفتار پوست / بود بر دل انجمن نیز دوست (شاهنامه، ج 7، ص 197، ب 4308) (1309)

وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ (حجرات - 13)؛ الْإِيمَانُ ... أَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ فِي حَدِيثِ غَيْرِكَ (حکمت 458)(30).

3 8. پرهیز از خشم

بوزرجمهر صفت خشم و رفتارهای خشمگینانه را مورد نکوهش قرار می‌دهد و آن را از ویژگیهای انسانهای نادان می‌داند. آیات و احادیث اسلامی این صفت ناشایست را با شدت بیش‌تری نکوهش می‌کند و آن را از صفات اهریمنی می‌داند و کسی که بتواند بر خشم خود غلبه کند مورد لطف و رحمت الهی قرار می‌گیرد.

- زندان که گفتیم هفت است راه / یکی آن‌که خشم آورد بر بی‌گناه (شاهنامه، ج 7، ص 195، ب 1275)
وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران - 135)؛ مَنْ لَمْ يَمْلِكْ غَضَبَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ (امام صادق ع)، (ری شهری، 1387: 426) (31).

3 9. نگفتن راز خود به هر کسی

انسان نادان از دیدگاه بوزرجمهر رازش را به هر کسی می‌گوید؛ در احادیث اسلامی نیز این رفتار نهی شده است.

- [نادان] چهارم که با هر کسی راز خویش / بگوید برافرازد آواز خویش (شاهنامه، ج 7، ص 195، ب 1278)
صَدْرُ الْعَاقِلِ صُدُوقٌ سِرٌّ (حکمت 6)؛ سُرُكٌ مِنْ دَمِكَ فَلَا يَجْرِيَنَّ مِنْ غَيْرِ أُوْدَاجِكَ (امام صادق ع)، (ری شهری، 1387: 268)(32).

3 10. عمل نکردن به کارهای بد دیگران

- ز بی‌کار گویان تو دانا شوی / نگوئی از آن سان کزو بشنوی (شاهنامه، ج 7، ص 196، ب 1292)
وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (قصص - 55).

4. صفات رفتاری الهی

مقصود از صفات رفتاری الهی، صفاتی است که دلالت بر نوع رفتار انسان نسبت به خداوند خود دارد. این نوع رفتار نیز در دو بُعد رفتار مثبت و منفی در سخنان بوزرجمهر و سپس در آیات و احادیث اسلامی قابل پی‌گیری است.

4. 1. پرهیزکاری و خشوع در برابر خداوند

بوزرجمهر معتقد است که سرآغاز هر گونه راستی، خداشناسی است و انسان پس از معرفت به خداوند اگر نسبت به او خشوع و پرهیزکاری انجام ندهد عمل ناشایستی انجام داده است. بر این اساس، عالمان حقیقی در برابر خداوند خشوع می‌کنند و در مقابل، انسانهای نادان نسبت به خداوند ناسپاس هستند. این مفاهیم در آیات و احادیث اسلامی نیز وجود دارد.

– سر راستی دانش ایزد است / چو دانستی اش زو نترسی بد است (شاهنامه، ج 7، ب 1099، ص 179)
 إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءَ (فاطر - 29)؛ مَنْ كَانَ بِاللَّهِ أَعْرَفَ كَانَ مِنَ اللَّهِ أَخْوَفَ (رسول اکرم ص)،
 (ری شهری، 1387: 186) (33).

4. 2. حالت خوف و رجا در برابر خداوند

یکی از حالت‌های متعالی انسان در برابر خداوند این است که در عین امید به رحمت بی‌کرانش از عذاب او نیز می‌هراسد که این وضعیت حالت خوف و رجا در برابر خداوند را شکل می‌دهد.

– سزای ستایش دگر گفت کیست / اگر بر نکوهیده باید گریست
 چنین داد پاسخ کو به یزدان پاک / فزون دارد امید و هم بیم و باک (شاهنامه، ج 7، ص 187، ب 4190)
 (1191)

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ (اسراء - 57)؛
 [أصحاب رسول الله - ص -] إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ... خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ وَرَجَاءً لِلثَّوَابِ (خطبه 97).

4 3. پناه جستن به خداوند جهان

انسان باید همواره در پی مقصد پاک الهی و متمسک به درگاه او باشد؛ خداوندی که صاحب همه اجزای عالم هستی است.

- چنین داد پاسخ که او از نخست / در پاک یزدان بدانست جست (شاهنامه، ج 7، ص 185، ب 1157)

- کزویت سیاس و بدویت پناه / خداوند روز و شب و هور و ماه همان، ص 190، ب 1218)

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ (نمل - 63) (34).

ب) تقسیم‌بندی بر اساس نوع اندیشه و نگرش

نوع دیگری از تقسیم‌بندی که از سخنان بوزرجمهر می‌توان ارائه داد، تقسیم‌بندی بر اساس نوع نگرش و اندیشه انسان است. از این رهگذر دو نوع نگرش زاهدانه و خردگرایانه را می‌توان نام برد.

1. نگرش و اندیشه زاهدانه

انسان در نگرش زاهدانه، نگرشی قیاسی گونه به دنیا دارد؛ یعنی فرد به اصولی کلی و قطعی درباره این جهان و جهان فراسو معتقد است و مبتنی بر این پیش فرضها به هستی می‌نگرد و نگرشهای خود را ارائه می‌دهد.

4 1. افسوس نخوردن بر دنیای زودگذر

یکی از اصول اساسی در نگرشهای زهدگرا به جهان، زودگذر بودن آن است که خصوصاً این اصل در مقایسه این جهان با جهان فراسو که از جاودانگی برخوردار است تقویت می‌شود. بر این اساس اصل مهم این نوع نگرش، غم نخوردن بر امور دنیایی است.

- هنرجوی و تیمار بیشی مخور / که گیتی سپنج است و ما برگذر (شاهنامه، ج 7، ص 179، ب 1096)

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ؛ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (الرحمن 27 و 28)؛ الدنیا ساعه فاجعلوها طاعة (رسول اکرم ص)، (زی شهری، 1387: 208) (35).

4 2. غم نخوردن بر از دست رفته‌ها و شادان نگشتن بر یافته‌ها

امام علی - ع - زهد را بر اساس آیه 24 سوره‌ی حدید «غم نخوردن بر از دست رفته‌ها و شادان نگشتن بر یافته‌ها» تعریف می‌کند. این‌گونه تعریف در سخنان بوزرجمهر نیز یافت می‌شود. دگر گفت کان چیست ای هوشمند / که آید خردمند را آن پسند
چنین گفت کان کاو بود پر خرد / ندارد غم آن کزو بگذرد
دگر ارجمندی سپارد به خاک / نبندد دل اندر غم و درد پاک (شاهنامه، ج 7، ص 188، ب 4200-1202)

- نخست آن‌که هرکس که دارد خرد / ندارد غم آن کزو بگذرد
نه شادان کند دل به نیافتنه / نه گر بگذرد زو شود تافته (همان: ص 195، ب 4270-1271)
لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ (حدید - 24)؛ الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَلَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ (حکمت 439).

4 3. ارزش دانستن ثروت در انفاق آن

بر اساس تفکرات زاهدانه ثروت زمانی برای ثروتمند سودمند است که آن را انفاق کند و از تنگ دستی و بخل بپرهیزد، در غیر این‌صورت ثروت هیچ فایده اصیلی برای فرد ندارد.

چنین داد پاسخ که مردم به چیز	گرامی ست و چیز خوار است نیز
نخست آن‌که یابی بدو آرزوی	ز هستیش پیدا کنی نیک‌خوی
و گر چون بیاید نیاری به کار	همان سنگ و هم گوهر شاه‌سوار

(شاهنامه، ج 7، ص 191، ب 4227-1230)
طُوبَى لِمَنْ ... أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ (حکمت 123)؛ خَيْرُ مَالِ الْمَرْءِ ذَخَائِرُ الصَّدَقَةِ (امام رضا ع)، (ری‌شهری، 1387: 524) (36).

2. نگرش خردگرایانه

انسان در نگرش خردگرایانه به هستی با نگاهی استقرآگونه به جهان می‌نگرد و نتیجه‌گیری می‌کند. بر این اساس فرد مبتنی بر مشاهدات، تجربه، تحلیل و تحقیق عقلانی و منطقی از جهان هستی و امور آن به نتایجی دست می‌یابد که حاصل آن، نگرش خردگرایانه او را به هستی، شکل می‌دهد.

2. 1. دانایان ارزشمندترین افراد جامعه

بر اساس تفکر خردگرا ارزش واقعی و اصیل انسانها در دانش و معرفت ایشان است. این نگرش خصوصاً آن زمان برای خردگرایان قطعی می‌شود که با بررسی تاریخ پیشینیان درمی‌یابند، تاریخ دانشمندان و خردمندان را در بالاترین جایگاه ارزشی حفظ می‌کند و دیگر آن‌که نتایج و دست آوردهای دانشمندان و خردمندان نسبت به دیگر اقشار جامعه از بیش‌ترین ارزش، تاثیر و ثبوت برخوردار است.

- دگر گفت کان چیز کافزون‌تر است / کدام است و بیشی که را در خور است؟
چنین گفت کان کس که داننده‌تر / به نیکی که را دانش آید به بر (شاهنامه، ج 7، ص 179، ب 1095)

- هر آن کس که جوید همی برتری / هنرها بیاید بدین داوری
یکی رای و فرهنگ باید نخست / دوم آزمایش بیاید درست (همان، ص 193، ب 1259، 1260)

- به دانش بود جان و دل را فروغ / نگر تا نگریدی به گرد دروغ (همان، ص 196، ب 1289)
قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (زمر - 10)؛ أَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةٌ أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةٌ أَقَلَّهُمْ عِلْمًا (رسول‌اکرم ص 1)، (ری‌شهری، 1387: 396) (37).

2. 2. حفظ عقل در فضای عقلانی و منطقی

بر اساس تفکر خردگرا خرد آدمی زمانی می‌تواند تحلیلها و استنباطها و استنتاجهای صحیح عقلانی را ارائه دهد که از آسیبهای شناختی و انحرافی به دور باشد و در فضایی منطقی و غیر

احساسی به تحلیل و بررسی پردازد. یکی از آسیبهای جدی تفکر عقلانی آمیختگی احساسات با تحلیل منطقی است که نتیجه آن استنتاجها و تفسیرها و برداشتهای نادرست و گمراه کننده خواهد بود. - خردمند مردم که دارد روا / خرد دور کردن ز بهر هوا (شاهنامه، ج 7، ص 190، ب 1215).

إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ إِثْتَان: اتباع الهوى و طول الأمل (خطبه 28 و 42)؛ عباد الله لا تركنوا الى جهالتكم و لاتنقادوا لأهوائكم (خطبه 105) (38).

پ) تقسیم بندی بر اساس نوع و جایگاه مخاطب

نوع دیگر تقسیم بندی از سخنان بوزرجمهر بر اساس الف) مردم؛ ب) حاکمان و پادشاهان و رابطه و وظایف و کارکردهای ایشان می تواند باشد.

1. مردم

1.1. مطیع حاکم بودن

یکی از اصول مشترک فکری در آرای بوزرجمهر و آیات و احادیث اسلامی تبعیت مردم از حاکمان شایسته خویش است؛ زیرا جامعه بدون حاکم دچار هرج و مرج می شود و در جامعه پرهرج و مرج هیچ کمال و پیشرفتی قابل تصور نیست.

- دل خویش را آشکار و نهان / سپردن به فرمان شاه جهان (شاهنامه، ج 7، ص 190، ب 1219)

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء - 59)؛ وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْفَاءُ بِالْبَيْعَةِ... و الإجابة حين أدعوكم و الطاعة حين أمرکم (خطبه 34).

2 1. هراس خلاف کاران و امنیت راستکاران از حکومتش

دافعه حاکم باید به گونه‌ای باشد که بدکاران از او هراسان باشند و جرأت تعرض به حدود و حقوق مردم را نداشته باشند.

- دگر گفت با تاج و نام بلند / که را خوانی از خسروان سودمند
چنین داد پاسخ کزان شهریار / که ایمن بود مرد پرهیزکار
و از آواز او بد هراسان بود / زمین زیر تختش تن آسان بود (شاهنامه، ج 7، ص 191، ب 4231: 1233)

[یا مالک] و لا یكونن المحسن و المسیء عندک بمنزله السواء فإن فی ذلک تزهیداً لأهل الإحسان فی الإحسان و تدریباً لأهل الإساءة للإساءة (نامه 52).

2 2. دانش اندوزی

حاکم هیچ‌گاه نباید خود را از دانش اندوزی بی‌نیاز بداند و پیوسته باید در پی ترفیع دانش و معرفت خویش باشد.

- همیشه دل شاه نوشین‌روان / مبادا ز آموختن ناتوان (شاهنامه، ج 7، ص 196، ب 1294)
خیر الامراء من زار العلماء (غزالی، احیاء، 1/ 51، کیمیای سعادت: 29) [به نقل از: حلی، 1379: 78].

2 3. بخشش و بخشایش

پادشاه با بخشش و بخشایش نسبت به مردم، ایشان را جذب خود و حکومتش می‌کند و به این وسیله در راستای حاکمیت مردمی و با ثبات حرکت می‌کند.

- یکی آن‌که ترسد ز دشمن به جنگ / و دیگر که دارد دل از بخش تنگ (شاهنامه، ج 7، ص 189، ب 1206)

أنه لا ینبغی أن یكون الوالی ... البخیل فتكون فی اموالهم نهمه (خطبه 131)؛ أفضل الملوك من اعطی ثلاث خصال: الرأفة و الجود و العدل (امام صادق ع)، (ری‌شهری، 1387: 514) (39).

2. 4. مشورت با خردمندان و دوری از استبداد رای

حاکم باید پیش از تصمیم‌گیریهایش با خردمندان مشورت کند تا تصمیم او از هر گونه نقص و اشتباهی به‌دور باشد و تصمیمهای او حاصل خرد جمعی آگاهان باشد.

– دگر آن‌که رای خردمند مرد / به یک سو نهد روز ننگ و نبرد (شاهنامه، ج 7، ص 189، ب 1207)

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (شوری - 38)؛ وَلَا مُظَاهَرَةَ أَوْتَقُوا مِنَ الْمَشَاوِرَةِ (حکمت 113) (40).

2. 5. صبور بودن و دوری جستن از شتاب و عجله

یکی از ویژگیهای مهم حاکم، صبور بودن اوست و این‌که در تصمیم‌گیریهایش از شتابزدگی به‌دور باشد.

– چهارم که باشد سرش پرشتاب / بجوید به کام اندر آرام و خواب (شاهنامه، ج 7، ص 189، ب 1208)

وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا (اسراء - 11)؛ [یا مالک] و ایتاک و العجله بالأمر قبل أوانها (نامه 52).

3. 3. علل تشابهات اندیشه‌های بوزرجمهر و مفاهیم قرآن و حدیث

از تحلیل و بررسی شباهتها و هم‌سوییهای سخنان و اندیشه‌های بوزرجمهر در شاهنامه و آیات قرآنی و احادیث امامان معصوم - ع - بر پایه مؤلفه‌های عقلی و نقلی، دلایل این شباهتها را در موارد زیر می‌توان دانست:

3. 1. هم‌سویی آینه‌های الهی

با توجه به آیه 19 سوره آل عمران که «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» و این موضوع اساسی در دین‌شناسی که ادیان الهی همه در یک مسیر هستند و مفاهیم بنیادین مشترک در میان آنها وجود دارد و

تفاوت در تکامل آنهاست، می‌توان دریافت که آیین بوزرجمهر (زرتشتی) آیینی الهی بوده که دارای مفاهیم مشترک با دین اسلام است.

3 2. خردگرایی اندیشه بوزرجمهر و هم‌سویی آن با دین

در قرآن کریم به تعقل و تدبیر به صورتهای گوناگون سفارش شده است؛ از طرفی نام لقمان در قرآن مجید آمده و یک سوره قرآن به نام اوست و از پنجاهای لقمان به پسرش آیه‌های 13 تا 19 سوره لقمان می‌باشد. همچنین تأمل در سخنان امیرالمؤمنین علی ع به ویژه کلمات قصار و حکمت‌آمیز آن حضرت در آخر نهج‌البلاغه دریایی ژرف و عظیمی از حکمت و خرد در پیش چشم مطالعه‌کننده می‌گستراند و در اهمیت عقل در اسلام و در تشیع، همین بس که در اصول کافی کتاب عقل و جهل با 34 حدیث و کتاب برتری علم در آغاز و پس از این دو، کتاب التوحید آمده است.

3 3. اسلامی شدن بخشی از اندیشه‌ها و شخصیت بوزرجمهر

به ویژه بخشهایی که میان متون پهلوی و پس از اسلام تفاوت دارد و یا نقل قولهایی که ترجمه لفظ به لفظ آیات و احادیث است و یا این که شخصیت او در متنی چون تاریخ بیهقی مسلمان به آیین پیامبر دانسته شده که جان در این راه نیز فدا می‌کند (بیهقی، 1376: 510-514).

3 4. نیکو بودن ذاتی رفتارهای نیک و ناپسند بودن ذاتی رفتارهای زشت در طول تاریخ

فطرت الهی که در قرآن کریم آمده است: «فطره الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله» (روم 30) و حدیثی که می‌گوید: «کل مولود یولد علی الفطرة»؛ بنابراین انسانها با فطرت الهی به سوی کارهای خوب حرکت می‌کنند و کارهای نیک انجام می‌دهند. از دیگر علل وجود مفاهیم مشترک در سخنان بوزرجمهر و آیات و احادیث اسلامی می‌توان این اصل مهم کلامی را دانست که حسن بالذات حسن است و قبح بالذات قبح؛ بنابراین فطرت و خرد پاک انسانی در طول تاریخ متمایل به نیکوییها و به‌دور از زشتیها و رذیلتها بوده است و بوزرجمهر بر بنیان فطرت پاک خود به بیان دیدگاه‌هایش پرداخته است.

4 نتیجه گیری

سخنان و اندیشه‌های بوزرجمهر در شاهنامه از جنبه‌های مختلف و بر اساس معیارهای گوناگون با مفاهیم قرآنی و حدیثی هم‌سو و سازگار است. این شباهتها را در ابعاد گوناگون می‌توان تقسیم‌بندی کرد: از جمله بر اساس مؤلفه‌های اخلاق فردی، خانوادگی و اجتماعی و الهی؛ بر اساس نوع نگرش زاهدانه و خردگرایانه و بر اساس رابطه پادشاه و مردم. با در نظر گرفتن عوامل عقلی و متنی می‌توان علل این شباهتها را در این موارد دانست: الف) هم‌سوئی آیینهای الهی؛ ب) خردگرایی اندیشه بوزرجمهر و هم‌سوئی آن با دین؛ پ) اسلامی شدن بخشی از اندیشه‌ها و شخصیت بوزرجمهر؛ ت) بالذات بودن تشخیص رفتار نیک از شر.

یادداشتها

1. «بوزرجمهر» صورت معرب «بزرگمهر» است که در شاهنامه نیز نام بوزرجمهر آمده است. از آن‌جایی که در این مقاله ما به بررسی سخنان بوزرجمهر در شاهنامه می‌پردازیم صورت معرب آن را به کار می‌بریم.
2. برخی از آثار مهم در این باره عبارتند از: شاهنامه: فردوسی؛ شرح یادگار بزرگمهر؛ خردنامه (گفتار اندر سؤالات نوشروان عادل از بزرگمهر حکیم)؛ نظرنامه؛ جاویدان خرد (الحکمه الخالده)؛ کلبه و دمنه: ابن مقفع و نصر... منشی؛ اندرهای مزدک؛ تاریخ طبری؛ طبری؛ عیون الاخبار؛ ابن قتیبه؛ السعاده و الاسعاده: عامری؛ المحاسن و الاضداد: جاحظ؛ نهاییه الارب فی اخبار فرس و العرب؛ الاعجاز و الایجاز: ثعالبی؛ مروج الذهب: المسعودی؛ المحاسن و المساوی: بیهقی؛ تاریخ بیهقی: ابوالفضل بیهقی؛ محاضرات الادباء: راغب اصفهانی.
3. در شاهنامه فردوسی جلد چهارم در ذیل پادشاهی کسری نوشیروان داستان بوزرجمهر، سخن گفتن او پیش کسری و سبب آزار نوشیروان از وی به تفصیل آمده است.
4. هم‌سوئی و پیوند عقل و شرع به استناد قرآن کریم است که بارها می‌گوید: «چرا تعقل نمی‌کنند؟ چرا تدبّر نمی‌کنند».
5. مقصود از خطبه‌ها، حکمتها و نامه‌ها در این مقاله، بخشهای سه‌گانه نهج البلاغه است.
6. إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ (حکمت 71).
7. لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوِّءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ (نساء - 149)؛ وَلَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ وَإِنْ قَلَّ مَا تَعْلَمُ (نامه 31)؛ أَكْثَرُ النَّاسِ ذُنُوبًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ كَلَامًا فِيمَا لَا يَعْنِيهِ (رسول اکرم ص -)، (ری شهری، 1387: 496).

دوم

8. لَا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْحُكْمِ كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ (حکمت 182، 471).
9. (مؤمنون - 4)؛ (فصص - 55)؛ فَلَا تَقُولُوا بِمَا لَا نَعْرِفُونَ فَإِنَّ أَكْثَرَ الْحَقِّ فِيمَا تُنْكِرُونَ (خطبه 87)؛ وَ هَآئِذَا عَلَيَّ نَفْسُهُ مِنْ أَمْرٍ عَلَيْهَا لِسَانُهُ (حکمت 2)؛ (رسول اکرم ص - (ری شهری، 1387: 486).
10. (بقره - 12، 13، 160، 161)؛ (صف - 2)؛ حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَحَاسِبُوا (خواجه توسی، اوصاف الاشراف، 21/ اسلامیة)، [به نقل از: حلبی، 1379: 97]؛ يَا أَيُّهَا النَّاسُ طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ مِنْ عَيْبِ النَّاسِ (خطبه 176)؛ ؛ أَنَّمَا يَأْتِرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: عَامِلٌ بِمَا يَأْتِرُ بِهِ وَ تَارِكٌ لِمَا يَنْهَى عَنْهُ... (امام صادق ع)، (ری شهری، 1387: 376)؛ (حکمت 150، 349، 366، 458).
11. وَ لَا عَقْلٌ كَالْتَدْبِيرِ (حکمت 113)؛ الْمُؤْمِنُ كَيْسُ فِطْنِ عَاقِلٍ (سیوطی، جامع صغیر، 2/ 184؛ منادی، كنوز الحقایق 136، هند)، [به نقل از: حلبی، 1379: 80]؛ مَنْ تَفَكَّرَ فِي الْعَوَاقِبِ لَمْ يَشْجَعْ (ابن عبد ربّه، عقده الفرید، ج 1، 17)، [به نقل از دامادی، 1379: 109 - 110].
12. وَ أَشْرَفُ الْعَيْنِ تَرَكَ الْمُنَى (حکمت 211)؛ مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ أَسَاءَ الْعَمَلَ (حکمت 36).
13. أَيُّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قِصْرُ الْأَمَلِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ (خطبه 81)؛ (حکمت 86).
14. (بقره - 197)؛ وَ أَنَّمَا هِيَ نَفْسٌ أَرَوْضَهَا بِالتَّقْوَى لِتَأْتِيَ آمَنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ (نامه 45)؛ (توبه - 110)؛ خَيْرُ الزَّادِ التَّقْوَى (حکمت 371)؛ وَ أَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى ... (خطبه 183)؛ (حکمت 371).
15. (زمر - 11)؛ (رعد - 25)؛ (آل عمران - 201)؛ وَ لَا عِزَّ كَالْجَلْمِ (حکمت 94، 113).
16. (اعراف - 31)؛ كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا (حکمت 229)؛ وَ الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ (حکمت 349).
17. أَرْزَى بِنَفْسِهِ مَنْ اسْتَشْعَرَ الطَّمَعِ (حکمت 2)؛ الطَّمَعُ رِقٌّ مُؤَبَّدٌ (حکمت 180)؛ (حکمت 226).
18. (نور - 22)؛ (روم - 38)؛ (نساء - 37).
19. وَ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ ... يُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ (حکمت 399).
20. وَ جَدُّتُكَ بَعْضِي بَلْ وَ جَدُّتُكَ كُلِّي حَتَّى كَأَنَّ شَيْئًا لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي وَ كَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي (نامه 31)؛ قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ (هود - 47).
21. (بقره - 178، 274)؛ (نحل - 75)؛ طُوبَى لِمَنْ ... اتَّفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ (حکمت 123)؛ (حکمت 429).
22. (إسراء - 30)؛ الْمُعْتَدِي فِي الصَّدَقَةِ كَمَا نَعِيهَا (رسول اکرم ص -)، (ری شهری، 1387: 320)؛ أَنْ لِلسَّخَاءِ مِقْدَارًا (امام عسکری ع)، (همان: 268).

23. (نسا - 150)؛ (اعراف - 200)؛ (نور - 22)؛ (رعد - 22)؛ (شوری - 41)؛ وَ أَكْظِمِ الْغَيْظَ وَ تَجَاوَزْ عِنْدَ الْمَقْدَرَةِ وَ أَحْلَمْ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ اصْفَحْ مَعَ الدَّوْلَةِ تَكُنْ لَكَ الْعَاقِبَةُ (نامه 69)؛ وَ الْعَفْوُ زَكَاةُ الظَّفَرِ (حکمت 211)؛ [المومن] يَغْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَ يُعْطِي مَنْ حَرَمَهُ وَ يَصِلُ مَنْ قَطَعَهُ (خطبه 193)؛ ان الله عَفُوٌّ يُحِبُّ الْعَفْيَ (رسول اکرم - ص 1)؛ (ری شهری، 1387: 386)؛ (حکمت 11، 52).
24. يَا بُنَيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحِبِّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ إِكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا وَ لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ ... وَ لَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ (نامه 31).
25. وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (زلزال - 9).
26. صَدِيقُ الْجَاهِلِ فِي تَعَبِ (امام رضا ع)؛ (ری شهری، 1387: 316)؛ يَا بُنَيَّ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَخْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ (حکمت 38)؛ وَ إِحْدَرُ صَحَابَهُ مَنْ يَقِيلُ رَأْيَهُ وَ يَنْكُرُ عَمَلَهُ فَإِنَّ الصَّاحِبَ مُعْتَبِرٌ بِصَاحِبِهِ (نامه 69)؛ لاخیر فی معین مهین و لا فی صدیق ظنین (نامه 31).
27. (توبه - 119) ... وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (احزاب - 36)؛ الْإِيمَانُ أَنْ تُؤْتِرَ الصَّدَقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكَذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ (حکمت 38، 458).
28. (نحل - 106)؛ ان العاقل لا يكذب و إن كان فيه هواه (امام کاظم ع)؛ (ری شهری، 1387: 384).
29. (اسراء - 34)؛ (شعراء - 181 و 182)؛ (الرحمن - 9 و 10)؛ (حکمت 11، 52).
30. أَلْغِيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ (حکمت 461)؛ فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ (خطبه 167).
31. وَ أَحْلَمْ عِنْدَ الْغَضَبِ ... وَ إِحْدَرِ الْغَضَبِ فَإِنَّهُ جُنْدٌ عَظِيمٌ مِنْ جُنُودِ إِبْلِيسَ (نامه 69).
32. مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ أَلْخِيْرَةُ بِيَدِهِ (حکمت 162)؛ افشاء السِّرِّ سُقُوطُ (امام صادق ع)؛ (ری شهری، 1387: 268)؛ و المرء أحفظ لسره (نامه 31).
33. و لم يضع امرؤ ماله في خير حقّه و لا عند غير أهله أأ حرمه الله شكره (خطبه 126)؛ إذا سمعتم بجبل زال عن مكانه فصدقوه و إذا سمعتم برجل زال عن خلقه فلا تصدقوه فإنه سيعود الي ما جبل عليه (حاجي خليفه، كشف الظنون، 1/ 66 - 67، آستانه) [به نقل از: حلي، 1379: 97].
34. (نحل - 13)؛ (يونس - 26)؛ (آل عمران - 103)؛ (زمر - 5).
35. (انعام - 32)؛ (توبه - 38)؛ اوصيكم بالرفض لهذه الدنيا التاركه لكم (خطبه 99)؛ و أحذرکم الدنیا فإنها منزل قلعه (خطبه 113)؛ الدنيا دار منى لها الفناء (خطبه 45)؛ (خطبه 114، 132)؛ (حکمت 133).

شماره	جستارهای ادبی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی سابق)	94
		دوم
	36. انما اعطاكم الله هذه الفضول من الاموال لتوجهوها حيث وجهها و لم يعطعموها لتكنزوها (امام صادق ع)، (ری شهری، 1387: 524)؛ و أنفقوا أموالكم (خطبه 183)؛ (حکمت 126).	
	37. طالب العلم بين الجهال كالحی بین الاموات (رسول اکرم ص)، (ری شهری، 1387: 398)؛ و لا شرف كالعلم (حکمت 113)؛ لا مال أغوؤ من العقل (حکمت 113، 147).	
	38. و كم من عقل أسير تحت هوى أمير (حکمت 211).	
	39. [یا مالک] و أشعر قلبك الرحمة للرعيه و المحبه لهم و اللطف بهم... فأعطهم من عفوك و صفحك (نامه 52).	
	40. و الاستشارة عين الهدايه و قد خاطر من استغنى برأيه (حکمت 211)؛ [یا مالک] و أكثر مدارس العلماء و مناقشه الحكماء فى تثبيت ما صلح عليه أمر بلادك (نامه 52).	

کتابنامه

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- بیهقی، ابوالفضل؛ تاریخ بیهقی؛ تصحیح دکتر علی اکبر فیاض؛ چاپ دوم، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد؛ 1376.
- حلبی، علی اصغر؛ تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی؛ چاپ اول، تهران: اساطیر؛ 1379.
- دامادی، محمد، مضامین مشترک در ادب فارسی و عرب؛ چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران؛ 1379.
- راستگو، محمد؛ تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی؛ چاپ اول، تهران: سمت، 1376.
- فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه؛ تصحیح جلال خالقی مطلق، 8 جلد، چاپ اول، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، 1386.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ 110 مجلد، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1392ق.
- محمدی ری شهری، محمد؛ منتخب میزان الحکمه؛ تلخیص سید حمید حسینی و ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ هفتم، قم: دارالحدیث، 1387.